



سلام! خانم رنگین کمان!

(مجموعه نامه)

یغماگری

گلرویی، یغما ۱۳۵۴ - ششم آمداد
سلام! خانم رنگین کمان! / یغما گلرویی.
تهران: دارینوش ۱۳۸۲ ISBN: 964-7865-65-8
فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
۱. گلرویی، یغما، ۱۳۵۴ - نامه ها، نامه های فارسی
۲. نثر فارسی - قرن ۱۴ الف عنوان.
اس ۸۱۹۲ / ۲۷
۸۶۶/۶۲
س ۵۶۱
م ۸۲ - ۳۰۹۸
کتابخانه ملی ایران

yaghmagolrouee@yahoo.com

سلام! خانم رنگین کمان!

(مجموعه نامه)

یغما گلرویی

ویراستار: فریبا نبوی تهرانی قر

چاپ اول: بهار ۱۳۸۲

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد

طراح و صفحه آرا: مصطفی معظمی

حروفچین: دارینوش

لیتوگراف: عروج

چاپ: نیل

همه ی حقوق برای ناشر محفوظ است.

نشر دارینوش: تهران صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۱۱۹۳

شماره ی یک: یوسف آباد - جنب سینما گلرین، شماره ی ۲۸۶ تلفن: ۸۷۱۱۴۶۱

شماره ی دو: قلهک - جنب سینما فرهنگ، شماره ی ۱۶۹۲ تلفن: ۲۰۰۰۴۰۰

شابک: ۸ - ۵۳ - ۷۸۶۵ - ۹۶۴

ISBN: 964-7865-53-8

قیمت: ۱۲۰۰ تومان

یادش به خیر...

یادش به خیر آن روزها که برای اقوامِ دوستانِ نامه می‌نوشتیم! بر کاغذهایی که بُلبُلِ گوشه‌اش نقاشی شده بود! نامه را با عبارت «ای نامه که می‌روی به سویش» تمام می‌کردیم! بعد زبانمان را بر درِ نامه و تمبر می‌کشیدیم خود را می‌رساندیم به صندوق‌های زرد پُست! نامه در آن صندوق‌ها می‌رفت با کُمکِ انگشت‌هامان مطمئن می‌شدیم که لبه‌اش از دریچه بیرون نمانده است! بعد از آن روزهای انتظار کشیدن فرا می‌رسیدند! روزهای چشم به راهی نامه‌رسان که اوّل‌ها با دوچرخه می‌آمد، بعد با موتور بعد هم اصلاً نمی‌آمد... ما بزرگ شده بودیم در عصرِ تلفنِ فکسِ اینترنت، نامه نوشتن را از یاد بُرده بودیم!

نامه‌های مجموعه‌ی حاضر را در مدت یک سال (۲۶ / آذر / ۸۱ تا ۲۶ / آذر / ۸۲) نوشته‌ام! به گمانم بشود با خواندنشان خط سیری از بالیدن یک عشق را تا لحظه‌ی یکی شدن ترسیم کرد! عشقی که به هم‌سقفی و هم‌چراغی انجامید!

دوستی پیش‌نهاد چاپ کردن این نامه‌های خصوصی را داد! در ابتدا این پیش‌نهاد برایم عجیب آمد، چون انتشارشان به برهنه شدن در دل میدانی شلوغ شباهت داشت... ولی بعد از مدتی تصمیم به چاپ کردنشان گرفتم! چرا که عریان کردن عشق به سمت روشنایی بردن جهان است!

در بعضی از نامه‌ها گاهی از شخص، یا کتاب و یا منطقه و شهری نام برده شده که ممکن است برای خواننده ناآشنا و ناشناس باشند، در انتهای کتاب توضیح تعدادی از این نام‌ها آمده است!

می‌شد با تغییر سطرهای چند نامه‌ی این مجموعه، شعاری بودنشان را از بین برد، اما - چون نامه‌ها از ابتدا به قصد چاپ کردن نوشته نشده بودند - خواستم که با حذف و اضافه، چیزی از حس اولیه‌ی آن‌ها قیچی کنم!

به اعتقاد من شعار هم - اگر از سر عشق شوریده‌گی بیان شود - چیزی کم از یک شعر عاشقانه نخواهد داشت... ■

یغم‌گلروی - ۲۱ / خرداد / ۸۳

● فهرست :

- ۱۱ فردا تمام مداریس دنیا تعطیلند.....
- ۱۴ ققنوس در باران هم نمی میرد.....
- ۲۰ کاش ترانه می توانست دنیا را عوض کند.....
- ۲۳ کسی با درختان سخن نمی گوید.....
- ۲۸ رنگین کمان ها هم سفر می کنند.....
- ۳۲ من آن رودم که مقصد ندارد.....
- ۳۸ چشمانِ تو سرزمین منند.....
- ۴۲ دیکتاتورها گریه نمی کنند.....
- ۴۷ می ترسم نسلِ شیترها منقرض شده باشد.....
- ۵۲ عشق، کلیدِ رهایی ست.....
- ۵۵ جهانِ تاریک ارزشِ زنده گی کردن دارد.....
- ۵۸ نقاشی های تو نفس می کشند.....
- ۶۲ شاعری حرفه ی بی خطری نیست.....
- ۶۶ تو با تمام کلیدهای جهان آمده یی.....
- ۷۰ خسته گی در هنر معنا ندارد.....
- ۷۴ کتابخانه ی موهای سپیدِ مادرم.....
- ۸۱ عشق، نردبانی دو لته یی ست.....
- ۸۵ چراغِ روشنِ یک خانه ی شیشه یی.....